

## عنوان مقاله:

پلورالیزم هستی شناختی و معرفت شناختی در فلسفه ه کارل یاسپرس

## محل انتشار:

دو فصلنامه تأملات فلسفی، دوره 1، شماره 4 (سال: 1388)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

## نویسنده:

حسین اترک - استادیار گروه فلسفه دانشگاه زنجان

## خلاصه مقاله:

کارل یاسپرس اگزیستانسیالیست المانی در صدد است تا ناپیوستگی و شکافی را که در معرفت شناسی و هستی شناسی فلسفه های رایج پیشین وجود داشت با بازشناسی قلمروی هستی پر کند. اشتباه فلسفه های پیشین در این بود که بایگان دانستن قلمروی هستی سر داشتند با ابزار معرفتی واحدی که از آن را حق می دانستند به شناخت حقیقت تز غیر حقیقت بپردازند. به عقیده یاسپرس هستی دارای قلمروهای متعدد است که هر یک از آنها ابزار شناختی خاصی نیاز دارند. وی شش و چه برای هستی باز می شناسد: هستی آنجا یا جهان، هفته خودی یا وجود انسان که چهار بخش دارد، آگاهی کلی، روح و هستی است و هستی فی نفسه یا ترانسندنس. این وجوه مختلف هستی به روش های متفاوتی شناسایی می شوند. دزاین موضوع علوم تجربی پوزیتیویسم و پراگماتیسم است. آگاهی کلی یعنی آنچه با عقل ادراک می شود. ذهن موضوع راسیونالیست هگل است. هستی، سرچشمه اصلی حقیقت ها و موضوع فلسفه اگزیستانسیالیسم است. جهان حقیقت خارج از ما که با عقل و حس کشف می شود. ترانسندنس باشنده فراتر از جهان، برترین موجود را عالی ترین حقیقت، حقیقتی که فقط انسان هست دیدار می تواند به آن برسد و با حس و عقل قابل درک نیست.

## کلمات کلیدی:

یاسپرس، پلورالیسم، هست یشناسی، معرفت شناسی، وجود

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/707114>

